

مطالعه تطبیقی حقوق دفاعی متهم در مرحله کشف جرم در ایران و اساسنامه دیوان کیفری

بین‌المللی

قاسم کرباس فروش^۱ - اکبر وروایی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۶

چکیده:

با ایراد اتهام به شخص متهم، مشارالیه وارد فرآیندی از دادرسی کیفری می‌شود که یک طرف آن حکومت با تمام اختیارات و امکانات قرار دارد تا در برابر متهم بایستد و در طرف دیگر متهمی قرار دارد که در برابر قوای حکومتی ناتوان است در نتیجه باید به متهم این امکان داده شود تا به نحو مطلوب از خود دفاع کند. اگر سازوکاری اندیشیده نشود در واقع ستمی به ناحق به مشارالیه وارد می‌آید؛ برای ممانعت از این وضع، بایستی متهم از حقوق دفاعی مناسبی برخوردار باشد. مرحله کشف جرم به عنوان نخستین مرحله از فرآیند رسیدگی جرم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و تا حدود زیادی سرنوشت نهایی پرونده کیفری به این مرحله وابسته می‌باشد. بر این اساس عدم توجه به اصول دادرسی عادلانه و منصفانه به ویژه تضمین حقوق دفاعی متهم در مرحله کشف جرم می‌تواند سایر مراحل دادرسی کیفری را تحت تاثیر قرار دهد. معمولاً مقررات مربوط به حقوق متهم در قانون آیین دادرسی کیفری آورده می‌شود و در همه رسیدگی‌های کیفری مرعی می‌گردد. آیین دادرسی کیفری ایران نیز، در مواد مختلفی به حقوق دفاعی متهم پرداخته است؛ نظیر: حق آزادی، حق تفهیم اتهام، حق داشتن وکیل، لزوم حیثیت و کرامت انسانی و ... همچنین برای عدم رعایت این حقوق توسط سیستم رسیدگی کننده اعم از مقامات قضایی و پلیسی، ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته شده است.

واژگان کلیدی: کشف جرم، حقوق دفاعی متهم، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲،

اساسنامه دیوان دائمی بین‌المللی کیفری

^۱ - دانشجوی دکتری، حقوق جزا و جرم شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران؛ گروه جزا و جرم شناسی، واحد علوم و تحقیقات کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

gasem.karbasforosh@gmail.com

^۲ - استاد و عضو هیات علمی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران؛ نویسنده مسئول

akbarvarayi@iran.ir

مقدمه

قانونگذار کیفری در انشاء قوانین شکلی همواره دو هدف عمده، یعنی تأمین نظم عمومی و تأمین منافع و حقوق متهم را مدنظر قرار می‌دهد. قوانین مزبور باید طوری وضع شوند که هیچ بیگناهی گرفتار عقاب نگردد و هیچ مجرمی نتواند از چنگال عدالت فرار کند. بدین منظور برای حسن جریان دادرسی کیفری، تضمین حقوق متهم، رعایت حقوق و آزادی فردی و آسایش حقوقی شهروندان هرروز نظریه‌های جدیدی در این شاخه مهم از علم حقوق پا به منصفه ظهور می‌گذارد تا دستگاه عدالت در کنار تأمین نظم عمومی و مصالح اجتماع بتواند بیگناهان را از تعقیب و مجازات برهاند. دستگاه قضایی هر کشور باید در جهت امنیت و عدالت قضایی و رعایت حقوق و آزادی فردی، امکانات و تضمینات کافی در اختیار شهروندان به خصوص متهمان قرار دهد.

دادرسی کیفری مطلوب، باید به گونه‌ای باشد که علاوه بر تأمین منافع جامعه مدنی، شهروند بی‌گناه را در اثبات بی‌گناهی‌اش یاری رساند. این امر مهم به وقوع نمی‌پیوندد، جز اینکه حقوق متهم در جریان دادرسی مورد حمایت قرار گرفته و رعایت شود؛ اما سؤال اساسی این است که چه کسی باید حقوق متهم را به او تفهیم کند؟ در جهت تأمین عدالت و امنیت قضایی، بر قوه قضاییه هر کشوری واجب است که بر دو عنصر مهم اهتمام ورزد: اول رعایت حق دادخواهی؛ بدین معنی که حکومت، امکانات و تضمیناتی مقرر دارد تا هر شهروندی در صورت تضییع حقوقش بتواند آزادانه در یک دادگاه علنی، بیطرف و بی‌غرض به حقوقش دست یابد. دوم رعایت و حمایت از حق دفاع متهم است، بدین معنی که هر شخصی که با دلایل و قراین کافی مورد اتهام قرار می‌گیرد، بتواند آزادانه و آگاهانه در معیت وکیل مدافع و دارا بودن یک سری حقوق معین از خویش دفاع کند و در صورت عدم اثبات بزه از اتهام تبرئه شود.

با توجه به اهمیتی که این حقوق دارند در قوانین اساسی بسیاری از کشورها به این حقوق اشاره شده است. معمولاً مقررات مربوط به حقوق متهم در قانون آئین دادرسی کیفری آورده می‌شود و در همه رسیدگی‌های کیفری لازم‌الرعایه می‌باشد. در این میان برخی از این قواعد به طور ویژه به حقوق دفاعی متهم اختصاص دارد تا متهم دستکم بتواند از امکانات کافی (نه مساوی) در برابر دادستان برخوردار باشد. در نظام عدالت کیفری ایران، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بی‌تردید، گام‌های مهمی را در راستای رعایت حقوق و آزادی‌های فردی و کرامت انسانی به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی برداشته است. این تحولات، چیزی جز رعایت موازین حقوق بشری مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و

اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیست. در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به عنوان یک قانون جدید التصویب، در مقایسه با سایر قوانین آئین دادرسی کیفری مصوب قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شاهد توجه ویژه قانونگذار به رویکرد شهروند محوری و رعایت حقوق دفاعی متهم در کنار رویکرد سنتی امنیت محور هستیم. در همین راستا و برخلاف قوانین پیشین که حقوق دفاعی متهم در مرحله کشف جرم تا حدود زیادی به فراموشی سپرده شده بود، قانونگذار ضمن تعیین مصادیق مختلف حقوق دفاعی متهم در مرحله کشف جرم، تضمینات حقوقی مناسبی در جهت رعایت آن از سوی ضابطین دادگستری پیش‌بینی نموده است. به دلیل اهمیت حفظ حقوق دفاعی متهم در مرحله کشف جرم، ضرورت دارد تا این موضوع از منظر آئین دادرسی کیفری با اساسنامه دیوان دائمی بین‌المللی کیفری به عنوان یک سند جهانی مورد مقایسه و تطبیق قرار گیرد.

مصادیق حقوق دفاعی متهم در مرحله کشف جرم

حق آزادی: حق آزادی از مهمترین حقوق انسانی می‌باشد که در ماده ۳ از اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ و ماده ۹ از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ و در ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۱۹۵۰ مورد تایید قرار گرفته است. در تعریف آزادی گفته شده: آزادی عبارت از حقی است که به موجب آن، افراد بتوانند استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خویش را به کار اندازند، مشروط بر اینکه آسیب و زیان به دیگران وارد نسازند. (هاشمی، ۱۳۸۷: ۱۹۶)

اصولی از قانون اساسی وجود دارد که مربوط به آزادی افراد می‌شود. اصول ۲۲، ۳۲، ۳۳ و بند ۲ اصل ۱۵۶ این موضوع را بیان می‌کند. در موادی از قانون مجازات اسلامی نیز آزادی فردی تضمین شده است مواد ۵۷۲، ۵۷۰، ۵۷۵، ۵۸۳، ۵۷۸، ۵۸۶ در حمایت از این امر، مواردی را مقرر می‌دارند.

بازجویی و تحقیقات در مرحله تحقیقات مقدماتی یکی از مراحل دقیق و حساس فرآیند دادرسی است که در واقع سنگ بنای دادرسی کیفری محسوب می‌شود و انسجام و استحکام آن در گرو رعایت قواعد و اصول قضایی است. در حقوق ایران در صورت وقوع جرم (یا لاقلاً ادعای وقوع آن) سه وضعیت نمایان می‌شود؛ یکی اینکه جرم به صورت غیر مشهود واقع شود (م. ۴۴) دوم در مواردی که علائم و امارات وقوع جرم مشکوک باشد (م. ۴۳) و حالت آخر مواجهه

با جرم مشهود است. (م.۴۵) از این سه حالت تنها در حالت آخر است که امکان تحت نظر قرار دادن متهم برای ضابطین و نزد آنها وجود دارد.

علاوه بر موارد بالا در موارد جلب متهم نیز با شرایطی امکان نگهداری او وجود دارد. چنین نگهداری‌ای بدین صورت تعریف شده است: «نگهداری تحت نظر یا بازداشت پلیسی اختیاری است که به موجب قانون به ضابطین دادگستری (پلیس قضایی) داده شده تا کسانی را که در جرائم مشهود یا در ضمن تحقیقات مقدماتی شواهدی علیه آنها به دست آمده به منظور تحقیقات یا اطلاع مقام قضایی برای مدت محدود نگهداری می‌کنند. (اردبیلی، ۱۳۸۸: ۲۰۸) با توجه به تعریف فوق چند نکته قابل استخراج است:

۱- این اقدام یک اقدام سالب آزادی و به موجب قانون و مقررات و با شرایط خاص است.
۲- این حق فقط از اختیارات ضابطین دادگستری است و سایر مأمورین دولتی چنین حقی نخواهند داشت و اگر برخلاف مقررات یک چنین اقدامی صورت بگیرد یک بازداشت غیرقانونی و قابل مجازات است.

۳- این نگهداری با اطلاع مقام قضایی است (یا لاقلاً در اولین فرصت به اطلاع او برسد).
۴- زمان نگهداری تحت نظر محدود است در حقوق ما حداکثر آن ۲۴ ساعت می‌باشد و بازداشت بیش از آن غیرقانونی تلقی می‌گردد.

۵- نگهداری تحت نظر با آنکه آزادی را موقتاً سلب می‌کند، به معنی بازداشت در بازداشتگاه نیست؛ یعنی با وجود قید عنوان، «بازداشت» این موضوع را نباید با بازداشت موقت اشتباه کرد. پس منظور قانونگذار از این تحت نظر، صرف نگهداری مظنون یا متهم در مقر نیروی انتظامی یا دفتر کلانتری‌ها و یا قرارگاه‌های پلیس برای تکمیل تحقیقات است.

۶- ضرورت بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات باید احراز شود. این امکان فقط در صورت وقوع یک جرم مشهود امکان‌پذیر است. البته اینکه این ضرورت چگونه توسط ضابطین با توجه به عدم تخصص آنها در زمینه مسائل حقوق کیفری و کشف جرم باید احراز شود معلوم نیست.

۷- با توجه به استثنا بودن این حق، قانونگذار تکلیف کرده که ضابطین بلافاصله یا در اولین فرصت نتیجه تحقیقات خود را به اطلاع مقام قضایی برسانند. این اطلاع به جهت اخذ تصمیم برای نگهداری متهم یا آزادی او ضروری است. (ثابت سروستانی، ۱۳۸۹: ۱۶۰)

تحولی که در این زمینه در قانون صورت گرفته است: هرگاه فردی خارج از وقت اداری تحت هر عنوان تحت نظر قرار بگیرد، باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب به قاضی کشیک اعلام

شود. قاضی کشیک نیز مکلف است، موضوع را بررسی کرده و در صورت نیاز با حضور در محل تحت نظر قرار گرفتن وی اقدام قانونی به عمل آورد.

ماده ۵۸ اساسنامه دیوان دائمی بین‌المللی کیفری ناظر بر صدور دستور بازداشت متهم می‌باشد. بند ۱ ماده مزبور مقرر می‌دارد «هر زمان پس از شروع به تحقیق و پس از وصول درخواست به دادستان، شعبه مقدماتی باید با بررسی درخواست وی و ادله یا سایر اطلاعاتی که توسط مقام مذکور ارائه شده، دستور بازداشت شخص را صادر کند به شرط آنکه متقاعد شود که الف) قرائن کافی وجود دارد که ارتکاب یکی از جرائم در محدوده صلاحیت دیوان را مدلل سازد. ب) بازداشت شخص به جهات زیر ضروری به نظر برسد. ۱- حصول اطمینان از حضور وی در محاکمه، ۲- حصول اطمینان از اینکه شخص مزبور مانعی در راه تحقیقات و یا رسیدگی دادگاه ایجاد نمی‌کند و یا انجام آنها را به خطر نمی‌اندازد، ۳- هرگاه مورد اقتضا نماید، بازداشتن شخص از ادامه ارتکاب آن جرم مرتبط با آنکه در محدوده صلاحیت دیوان است و از همان اوضاع و احوال ناشی شده است. (ورایی، ۱۳۹۳: ۱۵)

تذکر این نکته به جا خواهد بود که ماده قانونی فوق، به طور خاص ناظر بر بازداشت متهم در مرحله کشف جرم نبوده و جنبه عام دارد و اصولاً ناظر بر مراحل اولیه رسیدگی به جرم می‌باشد که صدور دستور بازداشت شخص از جمله اختیارات دادستان دیوان دائمی بین‌المللی کیفری می‌باشد.

بازداشت متهم در مراحل ابتدایی رسیدگی به جرم، در قانون آئین دادرسی کیفری ایران، همچنین در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، به عنوان امری استثنایی و تحت شرایط خاص مطرح می‌باشد. به عبارتی، نگاه حداقلی و ضروری به سلب آزادی از متهم در هر دو متن قانونی قابل استنباط می‌باشد. مورد دیگری که در این راستا جلب توجه می‌نماید اینکه، در قانون آئین دادرسی کیفری به صراحت از اختیارات نهاد کشف جرم در تحت نظر قرار دادن متهم سخن به میان آمده است، با این وجود در اساسنامه دیوان کیفری، اختیارات نهاد کشف جرم در سلب آزادی از متهمین نبوده، یعنی به نوعی بحث بازداشت در مرحله کشف جرم به طور خاص مورد توجه قرار نگرفته، بلکه در مقوله‌ای عام، اختیارات نهاد تعقیب و بحث قرارهای تأمین کیفری مطرح گردیده است.

حق آگاهی افراد از اتهام و دلایل آن

بند ۲ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد «هر فردی که توقیف می‌شود باید در زمان توقیف از دلایل توقیفش آگاه شود و سریعاً از اتهامات علیه خود مطلع شود». این مورد به طور مستقیم و صریح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مشهود می‌باشد، اصل ۳۲ قانون اساسی بیان می‌دارد: هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به فرد تحت نظر ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجعه‌کننده قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود».

تحولی در محتوای این موضوع در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰، مشاهده نمی‌گردد و مانند ماده ۱۴ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری آمده است: «...چنانچه در جرائم مشهود، نگهداری فرد تحت نظر برای تکمیل تحقیقات ضروری می‌باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به وی ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را در اولین فرصت برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند...».

حق آگاهی از اتهام وارده در نظام کیفری ایران به حق تفهیم اتهام مشهور می‌باشد، به واقع می‌توان ادعان نمود که منظور از تفهیم اتهام، آگاه کردن متهم از موضوع جرم و یا جرائم انتسابی و کلیه دلایل و مستندات آن است. (آخوندی، ۱۳۸۴: ۱۱۸) تفهیم اتهام به متهم این فرصت را می‌دهد تا بدینوسیله بتواند وسایل دفاع مناسب را تهیه و تدارک ببیند؛ زیرا نمی‌توان از انسانی انتظار داشت تا در برابر جرم ناشناخته و دلایل غیر معلوم پاسخگو باشد و بی‌مقدمه از خود دفاع نماید. به همین منظور ملاحظه می‌شود که در کلیه نظام‌های حقوق کیفری کشورهای مختلف، تفهیم اتهام به عنوان نخستین حق از حقوق دفاعی و از جمله حقوق استثنای پذیر متهم محسوب می‌شود. ماده ۱-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مؤید این نظر می‌باشد. (آشوری، ۱۳۹۲: ۲۲)

در شق الف بند یک ماده ۶۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی آمده است: «به زبانی که متهم کاملاً درک کرده و با آن صحبت می‌کند فوراً و دقیقاً از ماهیت، سبب و محتوای اتهام مطلع شود توجه به این بند نمایانگر شرایط مقرر در اساسنامه ناظر بر تفهیم اتهام از جمله: فوری بودن، دقیق بودن، تشریح ماهیت، سبب و محتوای اتهام می‌باشد. البته تضمینات ناظر بر عدم تفهیم

اتهام در اساسنامه به روشنی مشخص نیست، اما می‌توان با توجه به اصول کلی حقوقی و روح اساسنامه اذعان نمود که عدم رعایت حق تفهیم اتهام موجب بطلان کلیه اقدامات تحقیقی و دادرسی می‌گردد. (استور^۱، ۲۰۱۰)

در ارتباط با شرایط مقرر قانونی برای تفهیم اتهام نکاتی جلب توجه می‌نمایند، اینکه در نظام دادرسی کیفری ایران، بحث کتابت به عنوان یکی از شرایط حق تفهیم اتهام پیش بینی شده در حالیکه این حق در اساسنامه محل بحث ندارد، همچنین لزوم بیان ماهیت، سبب و محتوای اتهام در اساسنامه به عنوان یکی از شرایط حق تفهیم اتهام پیش‌بینی شده اما در قانون آئین دادرسی کیفری این بحث محلی برای ذکر نداشته است.

فراهم آوردن مقدمات دفاع و آگاهی از حق دفاع

یکی از عناصر متشکله حقوق متهم، حق دفاع مشارالیه می‌باشد. برخی از حقوقدانان حق دفاع را عبارت از حقی دانسته‌اند که به موجب آن هر فردی که مورد تعقیب قرار گیرد، بتواند در محاکم پیش از آنکه مورد حکم قرار گیرد، از خود دفاع کند. متهم در مرحله کشف جرم حق دارد در مقابل اتهامی که به او نسبت داده شده، با توسل به تمهیدات و تدابیر قانونی، آزادانه از خود دفاع کند. (کاتبی، ۱۳۲۶) باید افزود آنچه در یک محاکمه عادلانه اساسی و ضروری به نظر می‌رسد این است که تمام متهمین به جرم کیفری به منظور تضمین هدفمند بودن حق دفاع باید حق برخورداری از تسهیلات و زمان کافی برای دفاع را داشته باشند و این حق جنبه مهم اصل اساسی «تساوی ابزار و امکانات» است. (باقری و حسینی، ۱۳۸۶: ۹۴-۹۱)

شخص متهم دارای حقوقی است که بیشتر این حقوق در جهت دفاع از اتهام انتسابی وی می‌باشد در قوانین قبلی آئین دادرسی در ایران، اگر چه این حقوق برای متهم شناخته شده بود اما اشخاصی که در روند رسیدگی قضایی داشتند الزامی به تفهیم حقوق مندرج در قانون را به متهم نداشتند. حق سکوت، حق داشتن وکیل و ... از حقوقی بود که در قانون برای متهم شناخته شده بود اما وی حق آگاهی از این حقوق را دارا نبود؛ از جمله تحولات بزرگی که در این زمینه در قانون جدید دیده می‌شود در ماده ۵۲ آمده است که در این شرح می‌باشد: «هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفاند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت

¹ - Stover

نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند».

در قوانین قبلی آئین دادرسی حتی در مراحل تحقیقات دادیار یا بازپرس و یا در مرحله محاکمه چنین حقی برای متهم شناخته نشده بود. در صورتی که در قانون جدید از تفهیم حقوق مندرج در قانون در مرحله تحقیقات نزد پلیس صحبت به میان آمده است. این موضوع را می‌توان از تأثیراتی دانست که قوانین جدید مربوط به حقوق بشر و الزامات بین‌المللی در این زمینه بر تدوین کنندگان این قانون داشته است، قانون جدید آئین دادرسی کیفری فرانسه از جمله قوانینی است که تأثیرات فراوانی بر قانون داشته است و یکی از منابع الهام در این زمینه محسوب می‌شود.

مهمترین ماده قابل ذکر در این خصوص ماده ۶۷ اساسنامه می‌باشد که به بیان حقوق دفاعی متهم اختصاص یافته است. قسمت ب از بند «۱» این ماده قانونی مقرر می‌دارد: «وقت کافی و امکانات لازم به او (متهم) داده شود تا دفاع خود را تدارک کند و آزادانه و محرمانه با وکیل مدافعی که خود انتخاب می‌کند، ارتباط داشته باشد». علاوه بر این، قسمت «د» همین ماده قانونی که قبلاً نیز مورد بررسی قرار گرفته است، بر لزوم بهره‌مندی متهم از وکیل و مشاوره حقوقی تأکید نموده است که این تأکید جنبه عام داشته و کلیه مراحل رسیدگی به جرم از جمله مرحله کشف جرم را شامل می‌شود. با وجود آنکه در اساسنامه دیوان دائمی بین‌المللی کیفری، از لزوم فراهم آوردن امکانات لازم برای تدارک دفاع در کلیه مراحل رسیدگی به جرم از جمله مرحله کشف جرم سخن به میان آمده است، با اینحال در قانون آئین دادرسی کیفری در راستای حفظ ویژگی دادرسی تفتیشی حاکم بر مرحله کشف جرم، صرفاً حضور وکیل مدافع در این مرحله پذیرفته شده و امکان نقش فعالانه وکیل و همچنین فراهم آوردن زمینه‌های دفاع از متهم چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

حق سکوت

این حق در زمره حقوق دفاعی متهم محسوب می‌گردد و حق سکوت، امتناع و خودداری کردن متهم از پاسخ به سؤالات ضابطان دادگستری و مقامات قضایی در مورد اتهامی است که علیه او مطرح شده است. آنچه مشخص می‌باشد این است که متهم بر اساس اصل برائت تکلیفی

بر اثبات بی گناهی خود ندارد. به علاوه در اصل ۳۸ قانون اساسی نیز سوگند دادن متهم برای وادار کردن او به ادای مطالب ممنوع شده است.

تحوالی که در این زمینه در قانون آمده است در ماده ۱۹۵ مشاهده می‌شود. این ماده بیان می‌دارد بازپرس پیش از شروع به تحقیق با توجه به حقوق متهم به وی اعلام می‌کند مراقب اظهارات خود باشد. سپس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم می‌کند و به او اعلام می‌نماید که اقرار یا همکاری مؤثر وی می‌تواند موجبات تخفیف مجازات وی را در دادگاه فراهم سازد و آنگاه شروع به پرسش می‌کند. پرسش‌ها باید مفید، روشن، مرتبط با اتهام و در محدوده آن باشد.

در خصوص رعایت حق سکوت که از حقوق دفاعی متهم هست شق ب بند ۲ ماده ۵۵ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی مقرر نموده: «متهم) می‌تواند سکوت اختیار کند بدون اینکه آن سکوت دلالت بر مجرمیت یا بی گناهی وی داشته باشد. همچنین شق ز بند ۱ ماده ۹۷ اساسنامه در تأکید بر حق سکوت متهم مقرر می‌دارد: «متهم مجبور به ادای شهادت و یا اعتراف مجرمیت نیست و می‌تواند سکوت اختیار کند بدون اینکه سکوت وی به منزله اعتراف و یا انکار تلقی شود.» (زاندِر^۱، ۲۰۰۳) چنانکه ملاحظه می‌شود در اساسنامه دیوان دائمی بین‌المللی کیفری به صراحت حق سکوت متهم به رسمیت شناخته شده است و این حق در کلیه مراحل دادرسی کیفری جاری بوده و مرحله کشف جرم را نیز شامل می‌شود. نکته جالب توجه در خصوص احترام به حق سکوت متهم در اساسنامه آن است که به صراحت بر این امر تأکید شده که مقامات رسیدگی کننده به جرم به هیچ وجه نمی‌توانند، سکوت متهم را به عنوان دلیل مجرمیت وی تلقی کنند.

ملاحظه می‌گردد که به صراحت حق سکوت تنها به عنوان یکی از مصادیق بارز حقوق دفاعی هم در نظام حقوق کیفری ایران و هم در اساسنامه، به رسمیت شناخته شده است.

حق داشتن وکیل و دسترسی به مدارک و اسناد

یکی از جلوه‌های دادرسی عادلانه و منصفانه، امکان برخورداری متهم از وکیل مدافع در فرآیند دادرسی کیفری است. (خالقی، ۱۳۹۵: ۱۳۹) تا این حق به اصل تساوی سلاح بر می‌-

¹ - Zander

گردد با این توضیح که در فرآیند کیفری به جرم، مقامات دستگاه عدالت کیفری مسلح به دانش حقوقی می‌باشند.

حق استفاده از وکیل در دادگاه دیرتر مورد قبول قانونگذاران ایرانی قرار گرفته است. این حق برای اولین بار با الحاق تبصره‌ای به ماده ۱۱۲ قانون آئین دادرسی کیفری در تاریخ ۱۳۳۵/۱۱/۳۰ وارد نظام حقوقی شد، پس از انقلاب اسلامی نیز این حق در ماده ۱۲۸ قانون آئین دادرسی پیش بینی گشت. علی‌رغم به رسمیت شناخته شدن این حق در این مرحله که خود اقدام مهمی در جهت حفظ و تقویت حق دفاع متهم محسوب می‌شد، محدودیت‌ها و نقایص زیادی در متن قانون وجود داشت:

اینکه فی الحال عدم اشاره به حق داشتن وکیل تسخیری، امکان ارائه وکیل برای همه افراد میسر نبود. در ثانی، هیچ الزامی به اطلاع رسانی برای حضور و همچنین پذیرش وکیل در زمان بازجویی وجود نداشت، مخصوصاً در جایی که متهم در بازداشت به سر می‌برد، بازپرس هر زمان این امکان را داشت که متهم را احضار و بدون اینکه وکیل او اطلاعی در این خصوص پیدا کند از وی بازجویی و تحقیق بنماید. همچنین، آوردن قید «بدون مداخله در امر تحقق» که می‌تواند مفهوم گسترده‌ای را القا کند، امکان تضییع حقوق متهم را فراهم می‌آورد. وسعت این قید و امکان ارائه تفسیرهای مختلف این اجازه را به بازپرس می‌داد که از مشاوره متهم با وکیل در هنگام بازپرسی جلوگیری کند. (آشوری، ۱۳۸۴: ۱۵۴)

با آوردن تبصره ماده ۱۲۸ قانون آئین دادرسی کیفری قدیم که مقرر می‌دانست و اگر موضوع جنبه محرمانه داشته باشد با حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد باشد و در جرائم علیه امنیت کشور، امکان حضور وکیل متهم می‌بایستی با اجازه مقام رسیدگی کننده باشد که این قیود عملاً دست قاضی را به حدی باز می‌گذاشت که هر زمان می‌خواست وکیل را قبول نمی‌کرد.

ماده ۱۹۰ آیین دادرسی کیفری بیان می‌دارد متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود این حق در برگیرنده احضار قید و به او ابلاغ می‌شود وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم با اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می‌شود.

نکات قابل توجه در این ماده این است که اولاً؛ محدودیتی در زمینه حضور وکیل و بیان مطالب توسط وی در مرحله تحقیقات وجود ندارد و از همان آغاز تحقیقات (و نه در پایان تحقیقات) می‌تواند به دفاع از متهم بپردازد. در ثانی؛ تکلیف مقام قضایی به تفهیم حق داشتن وکیل به متهم می‌باشد. تبصره این ماده بیان می‌دارد: «سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بی اعتباری تحقیقات می‌شود». این خود نشان از اهمیتی است که قانونگذار به حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی قائل شده است.

در مورد مطالعه پرونده با دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده توسط وکیل متهم هیچ مقرره‌ای در قوانین سابق آئین دادرسی وجود نداشت؛ اما ماده ۱۹۱ قانون را می‌توانیم تحولی در این زمینه بدانیم این ماده بیان می‌دارد: «چنانچه بازپرس، مطالعه با دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند، یا موضوع از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آنها را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و تصمیم گیری کند». اگرچه محدودیت‌هایی در این ماده برای متهم یا وکیل او جهت مطالعه پرونده وجود دارد اما این ماده می‌تواند تحولی بزرگ در زمینه حقوق دفاعی متهم محسوب شود.

محدودیت موجود در این ماده این است که اگر قاضی مطالعه با دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده را با محرمانه بودن تحقیقات منافی بداند می‌تواند پرونده را در اختیار متهم یا وکیل او قرار ندهد که این خود دست قاضی را در جهت انجام سلیقه‌های شخصی باز گذاشته و حقوق دفاعی متهم را مورد خدشه قرار دهد زیرا اصطلاح محرمانه بودن کلی بوده و هیچ ضابطه خاصی در این ماده در اختیار مرجع قضایی قرار نمی‌دهد.

البته قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حق داشتن وکیل را در همه دعاوی برای طرفین دعوا در اصل ۳۵ بیان داشته است که البته از واژه دادگاه‌ها استفاده نموده و از مراحل کشف جرم و تحقیقات بحثی به میان نیاورده است. بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در شق «ب» و «د» بند ۳ ماده ۱۴ بر این حق، اگر چه به صورت ضمنی تأکید کرده‌اند.

ماده ۶۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، به شرح بند «د» از قسمت «۱» مقرر می‌دارد که: «با رعایت بند ۲ ماده ۶۳ و به منظور انجام امور دفاع شخصاً و یا از طریق مشاور حقوقی

انتخابی خود در محاکمه حضور یابد و مطلع شود که اگر از مشاوره حقوقی بهره مند نیست، حق دارد از مساعدت مشاور حقوقی که دادگاه در صورت ضرورت و در راستای اجرای عدالت فراهم می‌کند بهره مند شود، حتی اگر توان مالی برای پرداخت هزینه‌های مربوطه را نداشته باشد».

به نظر می‌رسد در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی هیچگونه محدودیتی در خصوص حضور وکیل مدافع در مرحله کشف جرم پیش بینی نگردیده است، اما در قانون آئین دادرسی کیفری به شرح تبصره ماده ۴۸؛ این قانون، در خصوص برخی جرائم محدودیت خاصی برای حضور وکیل مدافع در مرحله کشف جرم پیش بینی شده است.

حق کرامت انسانی

کرامت ارزشی است که از کار انداختن نیروها و استعداد‌های مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌شود، این کرامت استانی و اختیاری است که ارزش نهایی و عالی انسانی مربوط به همین کرامت است. (جعفری تبریزی، ۱۳۷۰: ۷۸) در مقابل آن، کرامت ذاتی وجود دارد که اکتسابی و اختیاری نبوده و از جانب خداوند متعال به انسان عطا شده است. کرامت ذاتی، حقی است طبیعی و خدادادی که آفریدگار هستی در نهاد و وجود تمامی انسان‌ها به ودیعت نهاده و همگان را از آن بهره مند ساخته است. این حق آمیخته با حکم بوده و قابل سلب و اسقاط و نقل و انتقال نبوده و احدی را یارای تعدی و تجاوز به آن نیست، مگر آنکه آدمی با ارتکاب جرائم و معاصی آن را از خویش زودوده و سالبه به انتفای موضوع گردد.

ماده ۴ قانون آئین دادرسی کیفری با بیان مفهوم اصل برائت در حقوق کیفری شکلی بر لزوم حفظ کرامت انسانی اشخاص تاکید نموده است. به موجب این ماده قانونی: «... هرگونه اقدام محدود کننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضائی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.» چنانکه ملاحظه می‌شود، در این ماده قانونی، قانونگذار به صراحت از لزوم حفظ کرامت انسانی کلیه اشخاص و کلیه کنش‌گران فرایند کیفری سخن به میان آورده است که بارزترین مصداق در این خصوص شخص متهم می‌باشد که ممکن است به بهانه انجام تحقیقات به گونه‌ای محدودیت‌هایی بر

وی اعمال شود که ماده قانونی مذکور بر این امر تأکید دارد که این محدودیت‌ها به هیچ وجه نمی‌بایست منجر به خدشه دار شدن کرامت انسانی متهم باشد. با وجودی که در قانون آئین دادرسی کیفری در مقام بیان مفهوم اصل برائت در حقوق کیفری شکلی، به صراحت از لزوم حفظ کرامت انسانی اشخاص سخن به میان آمده است، با این حال هیچ ماده قانونی در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری اختصاص به لزوم حفظ کرامت انسانی ندارد، بلکه از روح کلی حاکم بر اساسنامه و اصول بنیادین مورد پذیرش و حقوق دفاعی مورد قبول اساسنامه قابل استنباط می‌باشد. البته، هر چند به صورت مستقیم ماده خاصی از مواد اساسنامه دیوان دائمی بین‌المللی کیفری، به موضوع لزوم حفظ کرامت انسانی متهم تخصیص داده نشده است، با این حال روح کلی حاکم بر اساسنامه و توجه به اصول بنیادین حقوق کیفری از جمله اصل برائت، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، جملگی دلالت بر توجه ویژه اساسنامه بر لزوم حفظ کرامت انسانی دارد.

حریم خصوصی: تعریفی که قانون حمایت از حریم خصوصی از اصطلاح حریم خصوصی ارایه داده است به این شرح است: قلمرویی از زندگی هر شخص است که آن شخص عرفاً با اعلان قبلی در چهارچوب قانون، انتظار دارد تا دیگران بدون نظارت وی به آن وارد نشوند یا بر آن نگاه یا نظارت نکنند و با به اطلاعات درباره آن دسترسی نداشته یا در آن قلمرو وی را مورد تعرض قرار ندهند. جسم و البته اشیاء همراه افراد، اماکن خصوصی و منازل، محل‌های کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات «حریم خصوصی» محسوب می‌شوند.

حریم خصوصی به عنوان قلمرویی از زندگی هر فرد که نوعاً یا عرفاً انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند و یا به آن قلمرو وارد نشود و یا امکان ملاحظه آن را نداشته باشند و به طور کلی به هر صورت دیگر آن قلمرو را مورد تعرض قرار ندهند. علیرغم سابقه نه چندان درخشان غرب با توجه به وجود دادگاه‌های تفتیش عقاید و وسایل مشابه، حمایت از این حق در حقوق اسلامی قدمت زیادی دارد. در آیات زیادی از قرآن بر رعایت آن تأکید شده است و در سنت ائمه اطهار و نیز توصیه‌های زیادی بر پرهیز از نقض مصادیق مختلف آن شده است. (ثابت سروستانی، ۱۳۸۹: ۱۵۰)

نکته حایز اهمیت در مورد این حق، تلاقی آن با حق جامعه و انسانها بر حق «آزادی اطلاعات» است. ماده ۱۹ اعلامیه حقوق بشر بر این حق تصریح دارد: «هرکس حق آزادی عقیده و بیان

دارد و حق مزبور شامل آن است ... در کسب اطلاعات و افکار واخذ و انتشار آن با تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باش.»

در مقام تلاقی این دو حق با توجه به منابع فقهی و همچنین قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی اصل بر محرمانه بودن امور شخصی افراد و انتشار آن استثنا است.

در حقوق اسلام اصطلاح حریم خصوصی نه در آیات و نه در روایات استعمال نشده است در خلال مباحث و اصطلاحات به کار رفته در منابع فقه اسلامی می‌توان حمایت از این حق را در مصادیق ذیل دسته بندی نمود و در مورد نقض آنها قائل به ممنوعیت شد. ۱- استراق سمع ۲- استراق بصر ۳- سوء ظن ۴- سخن چینی و غیبت ۵- خیانت در امانت ۶- اشاعه فحشا و هتک ستر ۷- هجر، سب و قذف ۸- ورود به منازل بدون اذن ۹- تجسس و تفتیش. (ثابت سروستانی، ۱۳۸۹: ۱۵۰)

در سطح بین‌المللی نیز مقرراتی در حمایت از این حق وجود دارد. در ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان شده است: زندگی شخصی، خانواده، منزل یا ارتباطات هیچکس نباید خودسرانه با غیر قانونی مداخله شود یا آسیب و لطمه غیر قانونی به آبرو و یا حیثیت او وارد آید. هرکسی حق دارد در برابر چنین تعرضی از حمایت‌های قانونی برخوردار شود. در ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز آمده است: «هرکس نسبت به حریم زندگی خصوصی و خانوادگی، منزل و ارتباطات خود واجد حق است. مقامات دولتی هیچ‌گونه مداخله در اعمال این حق را ندارند مگر مطابق با احکام و قوانین و در صورتی که مداخله آنها در چهارچوب جامعه مردم سالار برای امنیت ملی، سلامت عمومی یا رفاه اقتصادی کشور، پیشگیری از بی‌نظمی یا جرم و... باشد.»

در نظام حقوق ایران نیز مانند حقوق اسلام حریم خصوصی به صورت مشخص و معنون حمایت نشده است و حقوق و آزادی‌هایی که تحت عنوان حریم خصوصی حمایت می‌شوند به طور ضمنی در سطح سایر قواعد حقوقی مورد حمایت قرار می‌گیرند. البته لازم به ذکر است که میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که دولت ایران به آن ملحق شده به عنوان تنها منبعی در نظام حقوقی ایران است که به شکل صریح این حق را مورد حمایت قرار داده است. به هر حال با توجه به اصول قانون اساسی می‌توان در خصوص مصادیق و انواع حریم خصوصی با توجه به اسناد بین‌المللی گفت:

اولاً: حریم خصوصی و پنهانی به صورت صریح و نه ضمنی حمایت نشده است.

ثانیا: از میان اماکنی که انتظار داشتن حریم خصوصی و حمایت از آن مورد پذیرش حقوق بین‌الملل و حقوق کشورهای پیش گام در این زمینه قرار گرفته است، تنها در اصل ۲۲ به مال و مسکن اشاره شده و از حریم محل کار سخنی به میان نیامده است مگر اینکه از واژه شغل تفسیر موسع گردد.

ثالثا: به حریم خصوصی جسمانی تصریح نشده، شاید با تفسیر از کلمات حیثیت و جان که در اصل ۱۳۲ آمده بتوان آن را مورد حمایت دانست. هرچند با توجه به اصل ۲۵ که هرگونه تجسس را ممنوع نموده است می‌توان با استفاده از معنای گسترده این واژه بسیاری از مصادیق نقض حریم را در قالب تجسس قرار داد.

در نهایت اینکه در اصل ۱۲ و ۲۰ که به رعایت حقوق انسانی همه افراد تاکید شده و اینکه حق داشتن حریم خصوصی با کرامت انسانی ارتباط تنگاتنگی دارد، لذا می‌توان این مقوله را جزئی از اصل ۱۴ و ۲۰ دانست و قائل بر این شد که در هر زمان در مورد حریم خصوصی با خلاء قانونی برخورد شود و به این دو اصل استناد شود.

مهمترین نکته قابل ذکر در قانون اساسی آوردن استثنائات و اجازه دادن برای نقض این حریم است که مصداق «مگر به حکم قانون» بیشتر نمودار می‌شود؛ اما در هیچ جایی به اوصاف قوانینی که می‌توانند این استثنائات را تحمیل کنند، اشاره نشده است. به علاوه واژه امنیت ملی که از یکی از استثنائات رعایت حق حریم خصوصی است تعریف نشده و در یک تعریف موسع می‌تواند شامل تمامی مصادیق امنیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، سیاسی و ... شود. علت دقت در قانون اساسی علیرغم وجود قواعدی در سایر قوانین این است که قانون اساسی هر کشور منشور حقوق آزادی‌های اساسی آن کشور می‌باشد و توجه به یک موضوع در آن نشان دهنده اهمیت دادن به آن می‌باشد و آوردن آن حقوق در سایر قوانین ما را از آوردن آن در قانون اساسی بی‌نیاز نمی‌کند. به علاوه در قوانین عادی امکان دخل و تصرف و تغییرات محدود کردن حقوق بسیار ساده تر از اعمال آن در قانون اساسی است لذا این موضوع بسیار حائز اهمیت است.

در خصوص حمایت از حریم خصوصی در یک فرایند دادرسی کیفری با توجه به اصول حقوقی و با ملاحظه حقوق سایر کشورها و اسناد بین‌المللی می‌توان معیارهایی را در نظر گرفت که اعمال آنها در قوانین آئین دادرسی کیفری لازم است:

اولا؛ لازم است نقض این حریم در هنگام کشف، تعقیب و تحقیق و رسیدگی به جرائم صراحتا

ممنوع اعلام شده باشد.

ثانیا؛ در مواردی که نقض حریم به دلیل وجود نفع عمومی برتر پذیرفته می‌شود، باید شخصی شود که چه مقام یا مقاماتی حق صدور مجوز قانون لازم برای ورود و نقض حریم خصوصی را دارند.

ثالثا؛ در موارد صدور مجوز لازم است که این امر به صورت موردی، محدود به مدت معین تابع یک سری شرایط خاص باشد، بطور قطع صدور یک مجوز کلی برخلاف اصول حقوقی و اصول قانون اساسی و حتی مبانی فقهی، می‌باشد.

رابعا؛ در صورت نقض حریم به صورت غیر قانونی و کسب و تحصیل دلیل به دنبال آن، برخورد قانون با چنین دلیلی که به صورت نامشروع تحصیل شده باشد مشخص باشد.

در قانون جدید آئین دادرسی کیفری تحولاتی را در زمینه حقوق مربوط به حریم خصوصی افراد مشاهده می‌کنیم. در ماده ۵۵ قید شده است که ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرائم غیر مشهود با اجازه موردی مقام قضائی است، هر چند وی اجرای تحقیقات را به طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد.

تحول جدید در این زمینه این است که در صورتی که در اجرای ماده فوق خسارت مادی وارد شود و به موجب تصمیم قطعی، قرار منع یا موقوفی تعقیب و یا حکم برائت صادر شود، دولت مسئول جبران خسارت می‌باشد، مگر اینکه تقصیر بازپرس یا سایر ماموران محرز شود که در این صورت، خود آنان مسئول جبران خسارت خواهند بود. رعایت حق جبران خسارت متهم در صورت برائت وی کاملا جدید می‌باشد و قانونگذار در این زمینه دست به ابتکار زده است.

در زمینه کنترل مکالمات تلفنی افراد نیز تحولاتی از طرف قانونگذار ایجاد شده است که حائز اهمیت است در ماده ۱۵۰ قانون بیان شده کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون لازم تشخیص داده شود. به گزارش خبرگزاری تسنیم، در ادامه این ماده آمده است: در این صورت با موافقت رئیس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل، اقدام می‌شود. کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات موضوع ماده (۳۰۷) این قانون منوط به تأیید رئیس قوه قضائیه است و این اختیار قابل تفویض به سایرین نمی‌باشد. در قانون جدید کنترل مکالمات تلفنی افراد غیر از مورد مربوط به امنیت

کشور در موردی است که برای کشف و شناسایی جرایم سنگین به کار می‌رود و همه جرایم را شامل نمی‌شود. تحول دیگر در این ماده کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات فوق الذکر می‌باشد که باید به تأیید رئیس کل دادگستری استان برسد.

تحول دیگر در این ماده کنترل حساب‌های بانکی اشخاص می‌باشد که در ماده (۱۵۱) قانون ذکر شده است. این ماده بیان می‌دارد: «بازپرس می‌تواند در موارد ضروری، برای کشف جرم و یا دستیابی به ادله وقوع جرم، حساب‌های بانکی اشخاص را با تأیید رئیس کل دادگستری استان کنترل کند». که این مورد ابتکاری کاملاً جدید در زمینه رعایت هرچه بیشتر حقوق متهم از طرف قانونگذار می‌باشد. مورد دیگر در زمینه رعایت حریم خصوصی اشخاص در ماده (۱۵۲) عنوان شده است. این ماده بیان می‌دارد «تفتیش و بازرسی مراسلات پستی مربوط به متهم در مواردی به عمل می‌آید که ظن قوی به کشف جرم، دستیابی به ادله وقوع جرم و با شناسایی متهم وجود داشته باشد. در این صورت، بازپرس از مرجع مربوط می‌خواهد، این مراسلات را توقیف کند و نزد او بفرستد. در صورت عدم امکان توقیف، مرجع مربوط، این امر را به اطلاع بازپرس می‌رساند و از وی کسب تکلیف می‌کند. پس از وصول، باز پرس آنها را در حضور متهم با وکیل او بررسی و مراتب را در صورت مجلس قید می‌کند و پس از امضای متهم، آن را پیوست پرونده می‌نماید یا در محل مناسب نگهداری می‌کند. به گزارش خبرگزاری تسنیم، در ادامه این ماده آمده است: استنکاف متهم از امضاء یا عدم حضور متهم یا وکیل او در صورت مجلس قید می‌شود. چنانچه اشیای مزبور حائز اهمیت نباشد و نگهداری آنها ضرورت نداشته باشد، با أخذ رسید به مرجع ارسال کننده یا به صاحبش مسترد می‌شود...».

حق سوال از شهود

یکی دیگر از حقوقی که در شکل‌گیری محاکمه عادلانه مورد لحاظ قرار می‌گیرد حق متهم نسبت به پرسش از شهودی است که علیه وی شهادت می‌دهند. قسمت e بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی این حق را برای متهمین به رسمیت شناخته است. این حق یکی از معیارهای مهم در رعایت اصل تساوی سلاح‌های طرفین دعوی است. خصوصاً در دعوی کیفری که یک طرف آن دادستان است. باید توجه داشت که باید زمان دقیق جلسه‌ای که قرار است شهود در آن جلسه دادرسی علیه متهم شهادت دهند در یک زمان معقول قبل از دادرسی به اطلاع متهم رسانیده شود، به طوریکه وی وقت کافی برای طرح و تدارک سوالاتی

که باید از شهود پرسیده شود را در اختیار داشته باشد. همچنین متهم حق دارد در زمان ارائه شهادت شهود، در جلسه حضور داشته باشد؛ و این حق را تنها در شرایط خاصی می‌توان از وی سلب کرد، از جمله وقتی که دلایل معقولی برای ترس از انتقام متهم یا نزدیکان و همدستان او از شهود وجود داشته باشد. در این شرایط خاص به منظور ضایع نشدن حق متهم نسبت به روبرو شدن با شهود دادگاه باید دقت عمل زیادی به عمل آورد و احتمال واقعی گرفتن انتقام را مورد نظر قرار دهد.

در راستای شناسایی اصل هم ترازوی در معنای مساوات و برابری میان حقوق متهم و بزه دیده، حق معرفی شهود و مطلعین و پرسش و تحقیق از آنها، از دیگر حقوق مشترک این دو طرف دعوی کیفری محسوب می‌شود. حق استنطاق و استماع شهود، تحت شرایط یکسان، عنصری اساسی در تأمین «برابری سلاحها» و در نتیجه از عناصر محاکمه عادلانه است. شاهد کسی است که وقوع جرمی را مشاهده کرده (شاهد عینی) یا شنیده باشد (شاهد سمعی) و شهادت عبارتست از اخبار از وقوع امور محسوس به یکی از حواس، در غیر مورد اخبار به حقی به ضرر خود و به نفع غیر. (لنگرودی، ۱۳۸۷: ۲۹۶) از آثار فرضیه بی‌گناهی متهمان در دادرسی کیفری رعایت اصول بی‌طرفی، امانت و، تساوی در جمع‌آوری ادله توجیه اتهام از سوی مقام تحقیق می‌باشد. دادرسی عادلانه اقتضا می‌نماید متهم بتواند از مفاد، کیفیت و ادا کننده شهادتی که علیه وی در محضر دادگاه تحقیقات مقدماتی ابراز می‌گردد و می‌توان به عنوان ادله مجرمیت به محضر دادگاه تقدیم گردد، مطلع گردد تا ضمن یافتن امکان مؤثر دفاع از خود و رد شهادت مزبور و احیاناً بیان موارد و شواهد تناقض در اظهارات شاهد با ما وقع در پی پرسش‌هایی که از مودی شهادت می‌نماید به معرفی شهود له خود در شرایط و امتیازات برابر با شاکی به روشن شدن موضوع کمک نماید. قسمت الف از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: متهم حق دارد از شهودی که علیه او شهادت می‌دهند سؤال کند یا بخواهد که از آنها سؤالاتی شود و شهودی که له او شهادت م دهند با همان شرایط شهود علیه او، احضار و از آنها سؤال شود. همین تضمین برای متهم در بند ۲ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و قسمت «د» از بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی شناخته شده است: هر کس به ارتکاب بزه می‌متهم شد حداقل دارای حقوق زیر است: «از شهودی که علیه او شهادت می‌دهند، شخصا یا توسط دیگری سؤال کند و شهود له وی در همان شرایطی که شهود علیه وی شهادت می‌دهند، مورد پرسش و بازجویی قرار گیرند».

ماده ۱ ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مقرر می‌دارد: «برای احراز هر اتهامی متهم این حق را دارد که با رعایت مقررات این اساسنامه به صورت علنی و منصفانه و بی‌طرفانه و با رعایت حداقل تضمینات زیر در مساوات کامل محاکمه شود: «از شهودی که علیه وی معرفی شده‌اند رأساً یا توسط دیگری سؤالاتی بنماید و مطابق این اساسنامه قابل طرح هستند را ارائه دهند. (ویلیام^۱، ۲۰۰۴) ولی باید توجه داشت که مقررات مورد اشاره حاوی یا حامی یک حق مطلق برای متهم نیستند. مفاد مقررات مزبور مانع از آن نخواهد بود که قوانین و مقررات ملی احضار شهود و استماع و ارزیابی مفاد شهادت آنان را مشروط به شروطی نمایند. آنچه از نظر این مقررات ضروری است آن است که شرایط و محدودیت‌های ایجاد شده همچون تسهیلات و امتیازات اعطا شده به طور یکسان نسبت به شهود طرفین دعوی اعمال گردد. توجه اسناد بین‌المللی حقوق بشری به حق تحقیق از شهود در مورد متهم مورد تصریح واقع شده، اما این اسناد در مورد این حق در مورد بزه دیده تصریحی ندارند، با این وجود قانونگذار ایرانی این حق را برای بزه دیده نیز در نظر گرفته است.

طبق ماده ۲۰۴ ق.آ.د.ک: «بازپرس به تشخیص خود یا با معرفی شاکی یا به تقاضای متهم و یا حسب اعلام مقامات ذی‌ربط، شخصی که حضور یا تحقیق از وی را برای روشن شدن موضوع ضروری تشخیص دهد، برابر مقررات احضار می‌کند».

ماده ۲۰۵ قانون در انطباق با بند ۳(و) از ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در صورتی که متقاضی احضار شهود (اعم از متهم و بزه دیده) توانایی پرداخت هزینه سفر و ضرر و زیان مورد درخواست شهود را نداشته باشد، ضرورت پرداخت از بیت‌المال را پیش‌بینی نموده است.

نتیجه‌گیری

حقوق متهم را می‌توان مجموعه‌ای از قواعد دانست که قانونگذار در جهت حمایت از متهم در برابر تعرضات قوای حکومتی، دفاع هرچه بهتر وی در برابر اتهام انتسابی و ایجاد شرایطی در جهت حفظ کرامت انسانی وی وضع نموده است که عدم رعایت آن دارای ضمانت اجرا می‌باشد. بی‌تردید، قانون آیین دادرسی کیفری، تحولاتی را در مورد حقوق متهم ایجاد کرده است. ولی در این باره باید به چند نکته توجه داشت. در مورد مرحله تحت نظر، ضابطان دادگستری پس از

¹ -William

تحت نظر قراردادادن اشخاص، مکلف به تفهیم حقوق آنان از قبیل حق تماس تلفنی با بستگان و حق ملاقات با وکیل شده‌اند. پیش‌بینی این حقوق بدون وجود سازوکارهای لازم می‌تواند مشکلات بسیاری را در عمل برای دادسرا و به ویژه ضابطان در پی داشته باشد زیرا در شرایطی که هیچ مقرراتی وکیل شخص تحت نظر را از دادن اطلاعات مربوط به مطالعه صور تجلسات پرونده تحقیقاتی به اشخاص دیگر (شرکا و معاونین) منع نمی‌کند، ضابطان را در انجام تحقیقات خود و کشف جرم با مشکل روبرو می‌کند. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بی‌تردید، گام‌های مهمی را در راستای رعایت حقوق و آزادی‌های فردی و کرامت انسانی به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی برداشته است. این تحولات، چیزی جز رعایت موازین حقوق بشری مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیست که به موجب آن، کنشگران فرایند کیفری به رعایت اصول دادرسی منصفانه و تأمین حقوق دفاعی متهمان مکلف می‌شوند. در واقع دل‌نگرانی رعایت کرامت انسانی شهروندان در دادگستری در مراحل مختلف فرایند رسیدگی کیفری به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی موجب تصویب این مقررات توسط قانونگذار شده است.

قانون آیین دادرسی کیفری ایران همگام با معیارهای بین‌المللی، علاوه بر عادلانه کردن دادرسی، انسانی کردن دادرسی را دنبال می‌کند. توجه به اصول کلی حقوق کیفری نظیر اصل برائت و حاکمیت آن و همچنین توجه به شان و کرامت انسانها و حیثیت اشخاص و حرمت حریم خصوصی آنها از جمله علل اصلی تدوین آیین دادرسی کیفری می‌باشد. در واقع موضوعات مطروحه مواردی هستند که باید بعنوان اصول حاکم در تدوین تمام مواد رعایت و مطمح نظر قرار گیرند. خوشبختانه ماده ۴ قانون جدید آیین دادرسی کیفری به این موضوعات پرداخته، به طوری در ماده ۴ علاوه بر شناسایی اصل برائت، اشعار می‌دارد هرگونه اقدام محدود کننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.

یکی از مهمترین تفاوت‌هایی که در خصوص رعایت کرامت انسانی در ق.آ.د.ک و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی می‌توان دید، لزوم مطلع شدن متهم از دلایل دستگیری می‌باشد. در حقوق داخلی در بند ۵ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی ۱۳۸۳ در رابطه با این حق پیش‌بینی شده است: «اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌کند

که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال و خانواده دستگیر شدگان در جریان قرار بگیرند» به موجب ماده ۵ ق.آ.د.ک نیز متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند شود.

در مقررات اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به حق مطلع شدن از دلایل دستگیری و بازداشت مقدماتی پرداخته نشده، و این موضوع به طور مشخص در هیچ یک از مواد آن نیامده است، اما قواعد آن حاکی از پذیرش چنین حقی در دیوان می‌باشد. برای نمونه در قاعده ۱۱۷ به صراحت از حق مظنون به دریافت نسخه‌ای از قرار دستگیری سخن می‌گوید که از سوی شعبه مقدماتی صادر می‌شود، و حاوی اطلاعات یاد شده است یا شناسایی حق غرامت به سبب دستگیری غیرقانونی و اعتراض در پی آن، متوقف بر آگاهی از دلایل است که نشانگر شناسایی این حق در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی است.

منابع فارسی

کتب

- آخوندی، محمود (۱۳۸۸)، عدالت کیفری، مجموعه مقالات، اصل برائت و آثار ناشی از آن
- امیرارجمند، اردشیر (۱۳۸۰)، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، (قسمت اول اسناد جهانی)، جلد ۱ تهران، دانشگاه شهید بهشتی
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷)، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش
- خالقی، علی (۱۳۹۵)، آئین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات شهردانش
- هاشمی، سید محمد (۱۳۷۸)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، تهران، دادگستر

مقالات

- آشوری، محمد، سپهری، روح‌الله (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه، مجله آموزه‌های حقوق کیفری (الهیات و حقوق)، شماره ۶، پاییز و زمستان
- جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۷۰)، حق کرامت انسانی، فصلنامه حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲۷، زمستان
- جهانتاب، محمد (۱۳۸۴)، پلیس مقتدر، فصلنامه دانش انتظامی، سال هفتم، شماره ۲، تابستان
- کاتبی، حسینقلی (۱۳۲۶)، حق دفاع، مجله حقوق مردم، شماره ۳
- مرکز مطالعات حقوق بشر (۱۳۸۲)، گزیده‌های از مهمترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تهران، دانشگاه تهران

خبرگزاری

- سیدنجم‌الدین حسینی، علی باقری (۱۳۸۶)، حق دفاع متهم در اساننامه دادگاه کیفری بین‌المللی، قابل دریافت در:

<http://lawtoday.ir/artical/2230>

تقریرات

- وروایی، اکبر (۱۳۹۳)، تقریرات آئین دادرسی کیفری، مقطع دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

پایان نامه

- ثابت سروستانی، محمد امین (۱۳۸۹)، ارزیابی حقوق متهم در فرایند دادرسی کیفری با نگرشی

بر قانون حقوق شهروندی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم قضایی

English Resources

Book

- Stover, Eric, Camille Crittenden, Alexa Koeing (2010), **Victor peskin. Tracey Gurd et al**, The impact of the rome statute system on victim an affected communities Review conference of rome statute, International Criminal Court
- Williams, Katherine, s (2004), **Texbook on Criminology**, Newyork oxford U niversity press
- Zander, M. (2003), **Cases & Materials on the English Legal System**, Lexis Nexis, 9th ed